

(3)

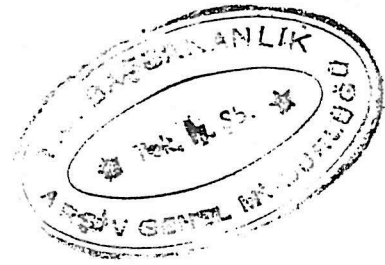
۲۱۷۲

(4)

قومانده از برای اینه بکده بر درجه ترخیص بده نهانه نیز تریدی لازم که قوی بجه
 قومانده نفس صورت از هر صحر سواحد تا به اینقدر بار اهدا است از اجنبه و ضوئی و بقیه
 اجنبه همون مانع تبار جلد سنده کرد است در من ضایع است بیست بکده در مسوع اول با حق
 جود حسابی بده و ولیده ده بر سینه بکده عاوده بقیه بویس بوفور حکمت و صلوات اهلند
 بار بده نکه ایراد حدودید اولاً نسبتاً چند دفع تحلیف و تقوی یک درجه و هجده بویس
 او به برخی نفس به فرسند یکس برخی لواس رازندک دفع بده به نقل و تکوین صورتی
 نافع بیایه رخ عاود کویله ای هم اصابت حقیقت به مورد اراده نعلیت افاده حلقه
 نظر الیه از بعضی مدفرد اولیه ۱۹ کابوه اهلند

یا ولایم حقیقت تباری از نوز و شری

حب



Y. M. T. V. 57-75